

سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی
در آیین گشایش همایش «راهبرد بهره برداری از ذخایر گازی کشور»

ثروت ملی یا قدرت ملی؟ اولویت با کدام است؟

خیرمقدم و خوش آمد می گویم خدمت همه صاحب نظران، اندیشمندان، اساتید محترم، نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی و مسئولانی که قدم رنجه فرمودند و دعوت مرکز تحقیقات استراتژیک را برای حضور در سمینار یک روزه «راهبرد استفاده از ذخایر گازی کشور در چشم انداز ۲۰ ساله» پذیرفتند.

ایران کشور نفت و گاز

بعد از کشف نفت در ایران و جایگاه ارزشمندی که نفت در اقتصاد جهانی پیدا کرد، همواره ایران به عنوان کشور نفت شناخته می شد. یعنی اگر در جهان از ایران نام برده می شد عمدتاً با چهره ی یک کشور نفتی بود. البته شاید بعد از پیروزی انقلاب مقداری چهره ایران تغییر کرد و به جای اینکه ایران را صرفاً به عنوان کشور نفت بشناسند، ایران را عمدتاً به عنوان کشور انقلابی با نظام اسلامی شناختند. البته دشمنان ما هم سعی می کردند تا ایران را به عنوان کشوری که مرکز صدور انقلاب و یا صدور خشونت و یا احیاناً مرکز صدور تروریسم است، معرفی کنند. اما به هر حال از اوایل قرن بیستم همواره در کنار نام ایران به عنوان مرکز فرهنگ

و تمدن کهن که دارای ملتی بزرگ و هوشمندی است، از منابع زیرزمینی این کشور و خصوصاً نفت به عنوان منبع اصلی تحرک اقتصاد دنیای امروز، یاد می‌شده است.

منطقه‌ی ابرنفتها

در این جمع نمی‌خواهم در زمینه‌ی مؤلفه‌های اصلی قدرت جمهوری اسلامی ایران بحث کنم، اما مؤلفه‌های قدرت و جایگاه ایران را به هر صورتی تبیین کنیم بی‌تردید نفت و اخیراً «نفت و گاز» - چون امروز گاز به تدریج جایگاه واقعی خود را پیدا کرده و قطعاً فردا جایگاه بهتری خواهد داشت - به عنوان یک مبحث مهم خواهند بود. به همین جهت موضوع نفت و گاز یک موضوع مهم استراتژیک برای جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌گردد. اساساً امروز به منطقه‌ی ما به عنوان منطقه‌ای که ابرنفتها و ابرگازها، در اینجا جمع شده‌اند، می‌نگرند.

برخی از تفسیر و تحلیلها حاکی از این است که همه تحرکات مهم سیاسی، امنیتی و نظامی در منطقه ما به خاطر منابع نفت و گاز صورت می‌گیرد. در جنگ دوم خلیج فارس، حضور به اصطلاح ائتلاف بزرگ علیه صدام در سال ۱۹۹۱ در رسانه‌ها به عنوان جنگ نفت اعلام شد. یعنی غرب هم نتوانست انکار کند که اگر سرباز به این سرزمین می‌آورد و به ظاهر از آزادی یک کشور به نام کویت سخن می‌گوید، هدف نهایی اش مسئله نفت است.

معلوم نیست اگر در این منطقه، منابع غنی نفت و گاز وجود نداشت، آیا باز هم همین حساسیتی که امروز نسبت به این منطقه هست، می‌بود. البته نمی‌خواهم اهمیت منطقه حساس خلیج فارس را صرفاً از دید منابع نفت و گاز ببینیم. اهمیت منطقه از لحاظ ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی نیز به اندازه و یا حتی بیش از ژئواکونومیکی آن می‌باشد. اما در عین حال همواره نفت و گاز به عنوان یک مسئله اساسی برای نگاه جهان به این منطقه بوده و خواهد بود. بی‌تردید اهمیت این منطقه در فردایی که احتمالاً هیچ کشوری توان صادرات نفت به جز پنج کشور منطقه یعنی عربستان، ایران، عراق، کویت و امارات نخواهند داشت، بیشتر خواهد شد.

آینده‌ی منابع تأمین انرژی

در سال ۲۰۲۵ بسیاری از کشورهایی که امروز صادرکننده نفت هستند به جرگه‌ی واردکنندگان نفت خواهند پیوست. در آینده‌ی نه چندان دور تنها کشورهایی که جزو صادرکنندگان نفت

خواهند بود چند کشور این منطقه می‌باشند. بنابراین جایگاه این منطقه در آینده و به ویژه پنج کشور ابرنفت، نسبت به امروز، به مراتب حساس‌تر و مهم‌تر خواهد بود. البته بحث اینکه انرژی جدیدی جایگزین سوخت فسیلی شود، سالهاست که مطرح است. اما من بعید می‌دانم به زودی به انرژی جایگزین دست یابند و ارزش سوخت فسیلی کاهش یابد، بلکه با توجه به نیاز روزافزون جهان به سوخت فسیلی اهمیت آن قطعاً بیشتر هم خواهد شد.

مطالعات مختلف حاکی از آن است که منابع هیدروکربوری تا سال ۲۰۵۰ همچنان به عنوان عمده‌ترین منابع تأمین انرژی باقی خواهند ماند. بررسی روند منابع هیدروکربوری و توزیع جغرافیایی آن نشان می‌دهند تا افق سال ۲۰۲۵ میلادی تنها پنج کشور (عربستان، کویت، عراق، امارات، ایران) با دارا بودن ۷۰ درصد از ذخایر منابع هیدروکربوری نفت و گاز جهان به عنوان عمده‌ترین تولیدکنندگان خواهند بود و این مسئله بر پیچیدگی محیط اقتصاد انرژی در آینده خواهد افزود. زیرا قدرتهای بزرگ در پی مدیریت منابع محدود انرژی، برای مدیریت رشد اقتصادی رقبای استراتژیک خود می‌باشند.

کشور ایران، برای ایفای نقش مؤثر منطقه‌ای و جهانی، پیوند مؤثر با قدرتهای رو به رشد آسیایی، تحکیم موقعیت سیاسی، امنیتی، ژئوپولیتیک کشور، ایجاد هم‌افزایی مزیت‌های داخلی و پایه ریزی صنعت و اقتصاد ملی مبتنی بر صنعت نفت دانش پایه و تحقق کامل اهداف چشم‌انداز ملی خود نیازمند استفاده از تمامی امکانات و ظرفیت‌های سرزمینی خود می‌باشد. در این راستا ضمن به کارگیری مزیت‌های بی‌بدیل خود، باید تلاش شود که هرچه سریع‌تر ظرفیت‌های بالقوه و نهفته سرزمینی به ویژه در حوزه پرچالش انرژی به فعلیت رسیده و تبدیل به قابلیت‌هایی گردد که بر قدرت اقتصادی کشور به عنوان مهم‌ترین رکن قدرت ملی بیافزاید. با ارتقای سطح قدرت ملی، به خصوص در بعد اقتصادی آن، در قرن جدید می‌توان انتظار داشت که توان تعامل سیاسی ایران در روابط بین‌المللی افزایش یافته و از این طریق منافع ملی کشور تأمین و امنیت ملی در سطحی بالاتر، محقق گردد.

ذخایر عظیم گاز ایران با حدود ۲۷/۵ تریلیون مترمکعب یکی از نعمتهای خدادادی است که در صورت به فعلیت درآمدن آن و استفاده‌ی بهینه و مؤثر از آن، می‌تواند به یکی از منابع تولید ثروت ملی تبدیل شود. با توجه به آنکه ذخایر گاز ایران به عنوان دومین ذخایر جهان است، با توجه به آنکه گاز به عنوان یک سوخت سازگار با محیط زیست شناخته می‌شود و با توجه به آنکه قرن بیست و یکم، قرن گاز نامیده شده است و با توجه به آنکه تقاضا و قیمت‌های جهانی

گاز با نرخهای بالایی رو به رشد است، می توان انتظار داشت که با اتخاذ استراتژیهای دقیق و روشن در چارچوب چشم انداز ملی از این مزیت برای رشد ثروت ملی و تحکیم پایه قدرت ملی و حداکثر ساختن منافع ملی، استفاده نمود.

قدرت یا ثروت

یکی از مباحث مهم و زیربنایی در کشور ما - و سایر کشورها - این است که آیا استراتژی ملی باید مبتنی بر تأمین قدرت ملی و به دست آوردن قدرت و تأمین آن و یا ثروت ملی باشد. یعنی اولویت با قدرت ملی است و یا ثروت ملی؟ خیلی از اختلافاتی که با هم داریم و یا جناحها با هم دارند، به همین مسئله زیربنایی برمی گردد. من امیدوارم در آینده، مرکز تحقیقات استراتژیک بتواند در این گونه مسائل مهم سمینارهایی را برگزار کند. یکی از مشکلات ما در این بیست و هفت سال، این بوده که ما نتوانستیم در زمینه «استراتژی ملی» به اجماع نظر برسیم که یکی از مباحث مهم آن این است که آیا اولویت با «ثروت ملی» است و یا «قدرت ملی»؟

آیا می خواهیم فضای ایران در روابط بین الملل همچنان فضای امنیتی باشد یا روزی می خواهیم به فضای سیاسی و سپس به فضای اقتصادی برسیم. ایامی که تیم مذاکره کننده هسته ای قبلی با اروپا مذاکره می کرد، یکی از اهدافش این بود که در کنار حفظ و نگه داری فن آوری هسته ای، به روابط جامع اقتصادی با اتحادیه اروپا برسد و فضای امنیتی را به تدریج به فضای سیاسی - اقتصادی تبدیل نماید. امروز هر قراردادی که می خواهیم با یک شرکت خارجی منعقد نماییم، بحث ریسک مطرح است. اگر بحث سرمایه گذاری خارجی مطرح است و با مشکل مواجهیم به این دلیل است که جهان، فضای کشور ما را امنیتی می بیند. ما همواره هزینه ی بسیار بالایی را از لحاظ اقتصادی پرداخت می کنیم. سؤال این است که بخش اقتصادی ما تا کی می خواهد برای بخش سیاسی و امنیتی یارانه پرداخت کند. این همه که در کشورمان در باره ی یارانه بحث می کنیم، آیا در باره ی این گونه یارانه ها هم بحث می شود. آیا زمان آن نرسیده که فضای کشور را عوض کنیم و این همه یارانه برای این فضا، پرداخت نکنیم؟

استراتژی ملی چین

تجارت خارجی چینها در سال ۱۹۷۸، ۲۰ میلیارد دلار بود. آمار نشان می دهد که در سال ۲۰۰۵

به رقم ۸۵۱ میلیارد دلار رسیده است. البته وزیر خارجه چین به من می گفت واردات و صادرات چین به حدود ۱۰۰۰ میلیارد دلار رسیده است. جذب سرمایه خارجی در چین در چند سال اخیر به رقم ۳۵۰ میلیارد دلار رسیده است. حتی کمکهای خارجی چین سالانه به حدود ۶ میلیارد دلار تخمین زده می شود. درآمد سرانه ی چین نیز هم اکنون ۱۱۰۰ دلار و پیش بینی می شود تا سال ۲۰۲۰ به ۳۰۰۰ دلار برسد. مبنای استراتژی ملی چین در طی سه قرن، قدرتمند شدن بود. رهبران نسل دوم، مبنای مدیریت کشور را افزایش ثروت و قدرت ملی قرار دادند. هم اکنون که رهبری چین در اختیار نسل چهارم قرار گرفته است، اولویت بر تولید ثروت است و به تدریج مسئولیت تولید ثروت را هم، از نهاد دولت به جامعه و نهادهای خصوصی منتقل می کنند.

اساس بحث این است که کشوری که همچنان در معرض تهدید و تضعیف است، باید در پی قدرت باشد و یا اینکه قدرت ملی در سایه ی ثروت ملی به دست خواهد آمد و این ثروت ملی است که قدرت ملی را می سازد و با پررنگ دیدن قدرت ملی به راحتی و به سرعت به ثروت ملی نمی رسیم. البته نکته اصلی، همه ی بحثها بحث اولویت است. همه قبول داریم که هم به قدرت و هم به ثروت نیاز داریم، اما بحث اولویت است، که کدام یک در شرایط فعلی دارای اولویت می باشند. همه ی برنامه ریزها و سیاستها از نوع نگرش و دیدگاه برمی خیزد. ما قبل از تدوین سیاستها باید در نگاه و استراتژی خود به اجماع نظر برسیم. متأسفانه در این زمینه هنوز تا دستیابی به اجماع نظر فاصله زیادی داریم.

یکی از اهداف ما در مذاکره با اتحادیه اروپا طرح مباحث اقتصادی، تغییر فضا بود. اعلام آنها برای مذاکره جدی و جامع و قبول آنها برای تضمین سرمایه گذاری در ایران به این هدف کمک می کرد. چون در ۲۵ سال گذشته هیچ وقت دولتهای اروپایی با ما مذاکره جدی نداشتند و حاضر نبودند بگویند که ما سرمایه گذاری را در ایران تضمین می کنیم. یا بگویند ایران منبع استراتژیک انرژی اروپا خواهد بود. ولی در مسیر مذاکرات هسته ای خودشان همه ی اینها را در طرحهای خودشان اعلام کردند. در بحث منبع استراتژیک انرژی بحث اصلی، همین بحث صادرات گاز بود. اروپاییها می گفتند ما می خواهیم ایران منبع استراتژیک تأمین گاز اروپا باشد. بحث فن آوریهای پیشرفته را مطرح می کردند که در اختیار ما بگذارند و موانعی که امروز نسبت به فن آوریهای پیشرفته وجود دارد، به تدریج بردارند و در فن آوریهای هسته ای نیز به جز چرخه سوخت، اعلام کردند همه فن آوریهای هسته ای و تکنولوژی مدرن آن را در

اختیار ما بگذارند و نیروگاه اتمی ساخت اروپا را به ما بدهند. اینها همه در گذشته، فضاهای ممنوعه بود.

این موارد که مطرح می شد بعضی ها در داخل عصبانی می شدند و می گفتند ما اینها را می خواهیم چه کار کنیم؟ تضمین سرمایه گذاری، روابط اقتصادی، فن آوریهای پیشرفته، نیروگاه اتمی به چه درد ما می خورد؟ و با تعبیرات موهن «هو» می کردند. می گفتند شما بخشی از چرخه سوخت را تعلیق کرده اید تا اینها را بگیرید. اینها اصلاً ارزشی ندارد. افکار عمومی را هم منحرف می کردند و به گونه ای مطرح می کردند که گویی ما می خواهیم غنی سازی را کنار بگذاریم. در حالی که مذاکرات کاملاً روشن بود، اروپا حاضر بود همه ی اینها را به ما بدهد در برابر تأخیر در شروع غنی سازی و نه کنار گذاشتن آن برای همیشه.

اختلاف اصلی صرفاً بر سر زمان بود. ما به اروپاییها گفتیم که ما و شما مشکل زمان داریم و آنها هم قبول داشتند و می گفتند شما غنی سازی را به تأخیر بیندازید تا به اعتماد برسیم و بعد شروع کنید. البته اختلاف نظر داشتیم، آنها زمان چند ساله مدنظرشان بود و ما زمان چند ماهه و لذا می گفتیم دوران مذاکرات ما باید کمتر از یک سال باشد. بارها تأکید کردیم که بحث ما ماهها است و نه سالها. ما با اروپا در فروردین سال ۱۳۸۴ به تفاهم نزدیک شده بودیم، ولی فضای انتخابات ریاست جمهوری ایران و بعد نتیجه انتخابات، اروپا را به تردید و عقب نشینی کشاند و متأسفانه اروپا بیش از حد در این زمینه از خود ضعف نشان داد. آنها می گفتند باید چند ماه از دولت جدید بگذرد تا با سیاست دولت جدید آشنا شویم و سپس به تصمیم برسیم. می خواهم بگویم یک عده ای در کشور ما هنوز معتقدند که فضا همچنان باید امنیتی باقی بماند. برخی از اختلافات ما در کشور برمی گردد به اختلاف در مبنا. اختلافات گاهی عمیق تر از حدی است که مردم عادی می بینند.

در واقع پیچیدگی در روابط و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بازیگران جهانی، از ویژگیهای عصر حاضر است. بازیگران بین المللی، رویکرد سیاسی - نظامی خویش را به رویکرد اقتصادی، فرهنگی و نظامی تغییر داده و برای افزایش تأثیر کارکرد این رویکرد جدید به ارتقای رشد اقتصادی در سطح ملی و بین المللی بر مبنای رشد سرمایه و انباشت بیشتر آن، روی آورده اند، تا ضمن تأمین رفاه جوامع خویش بتوانند منابع لازم مالی برای توسعه ی قدرت نظامی متکی به فن آوریهای نوین را فراهم نمایند.

به این ترتیب قدرتهای صنعتی در عصری که بر پایه ی دانش آغاز شده است، تلاش دارند

تا با برتری تکنولوژیک، در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، دفاعی و امنیتی برتری تسلط خود بر جهان را حفظ نمایند. بازیگران جهانی برای تحرک بخشیدن به رونق اقتصادی خود نیازمند منابع انرژی هستند موفقیت هر کشور در این فرایند، منوط به شناخت دقیق محیط و میزان پیچیدگیهای آن است. درک، شناخت و تجزیه و تحلیل محیط از نظر شدت، سرعت و جهت پیچیدگیها، اهمیت فوق العاده ای دارد.

انقلاب اسلامی یا جمهوری اسلامی

یکی از مباحث مهم و زیربنایی در این زمینه، همان بحثی است که کم و بیش هنوز در گوشه و کنار فضای ذهن نخبگان ما خلیجان می کند و اینکه آیا می خواهیم «جمهوری اسلامی ایران» باشیم یا می خواهیم «انقلاب اسلامی» باشیم. اگر بناست انقلاب اسلامی باشیم، رسالت بسیار بزرگی بر دوش داریم. یعنی ما انقلاب اسلامی هستیم و می خواهیم این فرهنگ را در سطح منطقه و جهان اسلام نشر بدهیم و قاعدتاً قدرت و ثروت خودمان را هم در سایه ی آن می بینیم و بر این مبنا هر مقدار انقلاب اسلامی بسط و گسترش پیدا کند به طور طبیعی بر قدرت و حتی ثروت ما افزوده خواهد شد. اما اگر می خواهیم «جمهوری اسلامی ایران» باشیم رسالت اولیه و اولویت ما جمهوری اسلامی ایران است پس باید مسیر دیگری را بپیماییم و با اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران و تأمین قدرت و ثروت است که به استحکام آن خواهیم رسید و هدف محوری ما هم حفظ این نظام خواهد بود. از این دیدگاه بسط انقلاب اسلامی نیز منوط به پیشرفت کشور و قدرت نظام و الگوسازی آن خواهد بود. در واقع انقلاب کردیم تا به جمهوری اسلامی برسیم و دیگر نباید به گذشته رجعت کنیم. پس ما هنوز روی برخی مسائل اساسی اختلاف نظر داریم.

ما به صدها نشست و تحقیق و بررسی و همفکری نیاز داریم تا به نظر واحد برسیم. همه ی ما مسلمان و ایرانی و دلسوز این کشور و نظام هستیم. باید کوتاه ترین راه را انتخاب کنیم. زمان و فضای زیادی در اختیار ما نیست که اختلاف نظرها را ادامه دهیم. ما در یک میدان مسابقه هستیم. یا همپای دیگران می دویم یا دیگران جلو می زنند و ما در آینده به آنها نیازمند خواهیم شد.

البته در جنگ هشت ساله فضاهای امنیتی و نظامی به ما تحمیل شد که ضرورت داشت ما مقاومت و ایستادگی کنیم. بعد از پایان جنگ هم غرب همچنان فشارش را بر ما ادامه داد تا ما

هم وادار به عکس‌العمل شویم و فضای امنیتی کشور ادامه یابد. آیا در شرایط فعلی ما نباید بنشینیم و تلاش کنیم تا به اتفاق نظر برسیم؟ آیا ما نباید ببینیم که در چه مقطعی باید ثروت ملی را به عنوان اولویت مدنظر قرار دهیم؟

اگر روزی تصمیم گرفتیم که ثروت ملی اولویت اول باشد آن زمان نفت و گاز در سرلوحه‌ی این استراتژی خواهد بود. نه تنها منابع نفت و گاز که هم منابع و هم صنایع نفت و گاز. ما هم باید منابع جدید را اکتشاف کنیم و هم باید در صنایع نفت و گاز شاهد یک تحول و رشد و توسعه باشیم و وابستگی خود را کم کنیم. همین طور که امروز صادرکننده‌ی نفت هستیم، در آینده صادرکننده‌ی تکنولوژی نفت و گاز هم باشیم. البته اگر اولویت قدرت ملی هم باشد، نفت و گاز جایگاه مهم خود را خواهند داشت؛ گرچه فعالیت اقتصادی در این فضا کمی سخت‌تر خواهد بود.

گاز برای مصرف داخلی و یا صادرات

با توجه به جایگاهی که امروز گاز دارد، مباحث بسیار مهم و اساسی در این زمینه مطرح خواهد شد. ایامی که به عنوان نماینده‌ی مجلس شورای اسلامی در مجلس در زمینه‌ی گاز بحث می‌کردیم، به یاد دارم که موضوعات مهمی مورد بحث و بررسی و گاهی هم مورد اختلاف نظر بود. یکی از بحثهایی که همواره مورد گفتگو بود اینکه آیا گاز برای جایگزینی سایر حاملهای انرژی در داخل کشور اولویت دارد یا برای صادرات و اولویت با کدام است؟ اکثر نمایندگان در مجلس معتقد بودند اولویت اول برای ما مصرف داخلی و جایگزین کردن گاز در داخل به جای سایر حاملهای انرژی است. هم به خاطر ارزان بودن گاز و هم به خاطر پاک بودن آن. هم از دید محیط‌زیست و هم از دید اقتصادی. البته امروز صادرات گاز می‌تواند به عنوان یک اهرم در سیاست خارجی و مؤلفه‌ای برای امنیت ملی، قدرت ملی و تحرک سیاسی ما مطرح باشد؛ ولی از طرف دیگر، صادرات نفت می‌تواند در این زمینه‌ها تأثیر بیشتری داشته باشد. با روند فعلی ما در سالهای آینده ممکن است به تدریج قدرت صادرات نفت را از دست بدهیم. سیاست ما این بود که به جای صادرات نفت خام به تدریج فرآورده را صادر کنیم ولی متأسفانه امروز درست به عکس شده است. ما نفت خام صادر می‌کنیم و فرآورده را وارد می‌کنیم. این نشان آن است که در مهم‌ترین بخش ثروت ملی ما، و در مهم‌ترین منبع درآمد ما - که متأسفانه امروز نفت را به عنوان درآمد می‌بینیم - هنوز استراتژی روشنی نداریم. ما نباید به

نقطه‌ای برسیم که رده‌ی کشور ما در صدور نفت از وضع فعلی پایین‌تر بیاید. بی‌شک، نظامی که در پی دستیابی به توسعه‌یافتگی با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فن‌آوری در منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و دارای تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل می‌باشد، باید راهبردی روشن در زمینه‌ی مهم‌ترین منابع خود داشته باشد. استفاده مؤثر و بهینه از ذخایر سرزمینی گاز و اتخاذ یک استراتژی روشن در این مورد می‌تواند به تحقق اهداف ملی کمک کند و در ارتقای «ثروت ملی» و «قدرت ملی» و حتی امنیت ملی کشور نیز مؤثر باشد.

اولویتها در موضوع گاز

باید سیاست و برنامه ما به گونه‌ای باشد که قدرت تولید بالاتر گاز از یک سمت و کاهش مصرف داخلی آن از سوی دیگر مدنظر باشد تا بتوانیم بعد از تأمین نیازهای داخلی، صادرات بیشتری داشته باشیم. بحث بهینه مصرف کردن سوخت، بحث یارانه‌ها، مبارزه با قاچاق سوخت و نحوه‌ی جایگزین کردن سایر حاملهای انرژی به جای نفت باید جزو اولویتها باشد. گرچه مسئله‌ی انرژیهای نو در کشور دنبال می‌شود، اما هیچ کدام نقد تر از گاز نیست. البته گاز علی‌رغم همه مزیتهايش مشکلاتی هم دارد، که یکی از آنها حمل و نقل و جابه‌جایی آن است. هر ساله در زمستان بحث افت فشار و یخ‌زدگی را داریم. مسئله ذخیره‌ی گاز یکی از مشکلات است. آیا همان طور که به سهولت نفت را می‌شود ذخیره کرد و حتی بخشی از آن را می‌توان روی آبهای بین‌المللی شناور نگاه داشت. آیا به همان راحتی گاز را هم می‌شود ذخیره کرد. ما در شهرهای بزرگ و در کنار مراکز مصرفی بزرگ خود، نیاز به ذخیره داریم. متأسفانه زمانی که در سالهای ۷۰-۶۹ اصرار داشتیم که همه گاز صادراتی ترکمنستان را بخریم و آنها هم مایل بودند، وزارت نفت ما نپذیرفت. ما به عنوان شورای عالی امنیت ملی و رئیس‌جمهور وقت آقای هاشمی رفسنجانی مُصر بودیم ولی وزارت نفت مخالفت می‌کرد. در حالی که با آن خرید ارزان قیمت گاز ترکمنستان در آن زمان می‌توانستیم مرکز بزرگی برای صادرات و واردات گاز در منطقه باشیم.

یکی از نکاتی که باید مدنظر ما باشد اینکه ابتدا به سراغ منابع مشترک گازی برویم و منابع اختصاصی را برای آینده بگذاریم. قدمهای خوبی در سالهای اخیر برداشته شده، اما همچنان همسایه جنوبی ما - قطر - از این منابع مشترک خیلی بیشتر از ما استفاده می‌کند. بحث دیگر

اوپک گازی است چون قیمت گاز متأسفانه بی سامان است و با تأسیس چنین سازمانی باید به سامان دهی قیمت گاز در بازار جهانی بپردازیم.

در سیاستهای کلی مصوب مجمع نیز بر افزایش ظرفیت تولید گاز متناسب با حجم ذخایر کشور به منظور تأمین مصرف داخلی و حداکثر جایگزینی با فرآورده های نفتی؛ تلاش لازم و ایجاد سازمان دهی قانونمند برای جذب منابع مالی مورد نیاز داخلی و خارجی در امر نفت و گاز؛ بهینه سازی مصرف و کاهش مصرف انرژی و جایگزینی صادرات فرآورده های نفت، گاز و پتروشیمی به جای صدور نفت خام و گاز طبیعی؛ تأکید شده است.

بنابراین لازم است که راهبرد توسعه صنعت گاز با توجه به سیاستهای مصوب و با تأکید بر استراتژی توسعه ملی در راستای اهداف چشم انداز، تنظیم شود. از این رو، ضمن تأمین نیاز رو به رشد مصارف خانگی، تجاری و صنایع داخلی با توجه به اهداف تعیین شده در سند چشم انداز، باید موارد دیگری از جمله:

- تأمین گاز مورد نیاز جهت تزریق به میادین نفتی در راستای افزایش ضریب بازیافت از میادین نفتی؛

- افزایش میزان صادرات گاز به کشورهای مختلف با اولویتهای ملی و استراتژیک؛

- رشد درآمدهای ارزی و متنوع شدن آن از طریق رشد درآمد حاصل از صادرات گاز؛

- و رشد اشتغال زایی از طریق رشد صنعت گاز و صنایع انرژی بر،

را با تأکید بر بهینه سازی مصرف انرژی، نیز در نظر گرفت.

با توجه به موضوع این همایش که «راهبرد استفاده از ذخایر گازی کشور در چشم انداز ۲۰ ساله» است، از تمامی اساتید، مسئولان و کارشناسان دلسوزی که در نشستهای چهارگانه تخصصی امروز مشارکت دارند، انتظار می رود که با توجه به اهمیت مسئله، نظرات علمی و کارشناسانه خود را ارائه نمایند.

یکبار دیگر از حضور شما عزیزان به ویژه اساتید محترم، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مسئولین وزارت نفت و شرکت گاز و همه ی متخصصین حاضر در این جلسه، صمیمانه تشکر و قدردانی می کنیم.

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته